

غزل شماره ۲۰۷

یاد باد آن که سر کوی توام مترل بود
دیده را روشنی از خاکِ دت حاصل بود

راست چون سوسن و گل از اثرِ صحبتِ پاک
بر زبان بود مرا آن چه تو را در دل بود

دل چو از پیر خرد نقلِ معانی می کرد
عشق می گفت به شرح آن چه بر او مشکل بود

آه از آن جور و تطاول که در این داکمه است
آه از آن سوز و نیازی که در آن محفل بود

در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز
چه توان کرد؟ که سعی من و دل باطل بود

دوش بر یادِ حریفان به خرابات شدم
خم می دیدم، خون در دل و پا در گل بود

بس بکشم که پرسم سببِ دردِ فراق
مفتیِ عقل در این مسأله لایعقل بود

راستی خاتمِ فیروزه بوا سحاتی


خوش در خید ولی دولتِ مستعجل بود

دید ی آن قهقهه گبک خرامان حافظ

که ز سر پنجه شاهین قضا غافل بود

تفسیر فال

راهی برای تو گذاشته بودند که به سلامتی از آن گذر کردید. این مسیر زندگی، پر از چالش‌ها و فرصت‌هاست و هر گام که برمی‌دارید، تو را به تجربه‌های جدید رهنمون می‌شود. در ایام جوانی و خوشی غافل نباش که خوشی زودگذر است و بادهای نفاق به سویت می‌وزند؛ چرا که زندگی همیشه با آزمون‌هایی روبروست که ممکن است ناگهان سر برسند. بنابراین، آماده باش تا در آن زمان راه و چاره را پیدا کنی و به یاد داشته باش که شناخت خودت



و ارزش‌هایت می‌تواند کمکت کند تا در مواجهه با مشکلات تصمیمات صحیح بگیری. در این میان، همچنین بسیار مهم است که به فکر باشی تا یاری پیدا کنی که همیشه تکیه‌گاه تو باشد. یک دوست یا مشاور قابل اعتماد می‌تواند در سخت‌ترین لحظات زندگی، حمایت عاطفی و فکری لازم را فراهم کند. وجود چنین یاری‌ای نه تنها احساس تنهایی را کاهش می‌دهد بلکه موجب تقویت روحیه‌ات نیز خواهد شد. بنابراین همواره بکوش تا روابط مثبتی برقرار کنی که در کنار خوشی‌ها بتواند در روزهای دشوار نیز یاریت کند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)